

همبستگی ایدئولوژیک احزاب پوپولیست اروپا با روسیه

محمد رضاریعی^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. کارشناس وزارت امور خارجه mr.rabiei33@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۵

چکیده

دولت روسیه جایگاه مهمی نزد احزاب پوپولیست اروپایی دارد و ما در این مقاله بر آنیم تا نشان دهیم که همبستگی ایدئولوژیک این احزاب با روسیه و حاکمان آن دلیل اصلی کسب این جایگاه بوده است. پوپولیسم واژه پیچیده و مناقشه برانگیزی است و تعاریف مختلفی از آن شده که در اینجا در قالب سه دسته کلی مورد اشاره قرار گرفته است و سرانجام در این پژوهش به عنوان یک ایدئولوژی رقیق تعریف شده است. احزاب پوپولیست در اروپا قدمتی دیرینه دارند، با این حال، از اواخر دهه ۱۹۸۰ رشد چشمگیری در سیاست داشته‌اند و نتایج انتخابات داخلی و پارلمان اروپا موید استقبال از این احزاب می‌باشد. در ادامه مقاله، با توجه به اینکه توجه این احزاب به روسیه در قالب سیاست خارجی آنها قابل تبیین است، تلاش شده تا موضوعات مهم سیاست خارجی احزاب پوپولیست راست و چپ اروپا و نقاط افتراق و اشتراک آنها مورد بررسی قرار گیرد. سرانجام در بخش پایانی، فرضیه مقاله مورد آزمون قرار گرفته و شاخص‌های همبستگی ایدئولوژیک میان احزاب پوپولیست اروپا و روسیه به تفکیک مورد اشاره قرار گرفته است. همبستگی ایدئولوژیک احزاب پوپولیست راست با حاکمان روسیه شامل ارزش‌های محافظه‌کارانه اجتماعی، دفاع از حاکمیت ملی، تمرکز قدرت دولتی و رد بین‌المللی‌گرایی و مداخله‌گرایی لیبرالی است. در احزاب پوپولیست چپ اروپا شامل مخالفت با جهانی شدن، مخالفت با نظام سرمایه‌داری و پیوند نوستالژیک با اتحاد شوروی است. برای مطالعه موردی درباره میزان همبستگی این احزاب با روسیه، بحران اخیر اوکراین و دیدگاه‌های این احزاب در مورد آن تشریح شده است.

▪ واژگان کلیدی:

پوپولیسم، روسیه، احزاب، اروپا، بحران اوکراین

مقدمه

احزاب معروف به احزاب پوپولیست اروپا در چند سال گذشته مورد توجه سیاستمداران و تحلیلگران و اصحاب رسانه‌های عمومی بوده‌اند و از زاویه‌های مختلف وضعیت آنها مورد تحلیل قرار گرفته است. در ایران، بیشتر اسلام ستیزی احزاب پوپولیست راست‌گرا مورد توجه بوده است اما در این مقاله بر آنیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که چرا روسیه تحت زعامت پوتین در سیاست خارجی اکثر احزاب پوپولیست اروپا جایگاه مهمی دارد. طرفداری این احزاب از دولت روسیه، به دلیل همبستگی ایدئولوژیک آنها با روسیه پوتین است. مهم‌ترین شاخص‌های این همبستگی ایدئولوژیک در احزاب راست افراطی عبارتند از: ارزش‌های محافظه‌کارانه اجتماعی، دفاع از حاکمیت ملی، تمرکز قدرت دولتی و رد بین‌المللی‌گرایی و مداخله‌گرایی لیبرالی. این شاخص‌ها در احزاب چپ افراطی اروپا شامل مخالفت با جهانی شدن، مخالفت با نظم سرمایه‌داری تحت نظارت ایالات متحده و پیوند نوستالژیک با اتحاد شوروی می‌باشد.

در ابتدا سعی می‌شود در بحث ادبیات موضوع، تعریفی از پوپولیسم و احزاب پوپولیست ارائه شود. واژه پوپولیسم از آن دسته واژه‌های مناقشه برانگیزی است که گاهی از آن به عنوان یک برچسب توسط رقبا علیه یکدیگر به کار می‌رود. بدیهی است که رویکردهای مختلف در این زمینه معرفی خواهند شد. در عنوان بعدی جایگاه و سوابق احزاب پوپولیست در اروپا بررسی می‌شود. در بخش سوم، مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی احزاب پوپولیست اروپا مورد تحلیل قرار خواهد گرفت و در بخش آخر هم دلایل همبستگی ایدئولوژیک احزاب پوپولیست اروپایی با روسیه را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. روش استفاده شده در این پژوهش روش تحلیل داده‌های ثانویه است. تاکنون پژوهش‌های اندکی در مورد پوپولیسم به زبان فارسی شده و در سال‌های اخیر بیشتر به موضوع رشد راست افراطی در اروپا پرداخته شده است. به همین دلیل بیشتر از منابع انگلیسی در پژوهش استفاده شده است.

۱- مفهوم پوپولیسم

واژه پوپولیسم از جمله واژه‌هایی است که هم بسیار مورد استفاده است و هم مناقشه‌های فراوانی در مورد آن وجود دارد. در عین حال از چشم اندازه‌های مختلف نظری مانند نظریه‌های ساختارگرایی، نوگرایی، نظریه جنبش اجتماعی، روانشناسی سیاسی، احزاب سیاسی، اقتصاد سیاسی و نظریه دموکراسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در زبان فارسی عام‌ترین ترجمه برای واژه پوپولیسم، عوام‌فریبی است. پوپولیسم واژه‌ای است که در یک مرز جغرافیایی محدود نشده است. در ادبیات سیاسی همه قاره‌های جهان مورد استفاده است. از سوی دیگر، به جریان فکری و ایدئولوژی مشخصی وابسته نیست. هرچند که برخی از پژوهشگران معتقدند که خود یک ایدئولوژی است.

در این مقاله سه دسته تعریف از پوپولیسم ارائه می‌شود:

۱- اندیشمندانی که در این دسته جای می‌گیرند، پوپولیسم را نوعی ایدئولوژی می‌دانند. کاس مود^۱ از همین زاویه پوپولیسم را چنین تعریف می‌کند: [پوپولیسم] یک ایدئولوژی رقیق است که جامعه را به گونه‌ای در نظر می‌گیرد که در نهایت به دو گروه همگن^۲ و متخاصم^۳، مردم عادی در مقابل نخبگان فاسد تقسیم می‌شود و اینگونه استدلال می‌کند که سیاست باید بیان اراده عمومی مردم باشد (Mudde 2004, 543). پوپولیسم در اینجا شامل انگاره‌هایی است که مشخصه‌های آن، دشمنی میان مردم و نخبگان و نیز برتری حاکمیت مردمی است که به موجب آن اراده عمومی جایگزین فساد اخلاقی بازیگران نخبه می‌شود. ایدئولوژی‌های رقیق که در تعریف مود به کار رفته شامل آن دسته از ایدئولوژی‌هایی است که برای تمام مسائل سیاسی - اجتماعی پاسخ ندارند و بنابراین می‌توانند با دیگر ایدئولوژی‌ها مانند لیبرالیسم یا سوسیالیسم سازگاری داشته باشند.

۲- تعریف دیگر از پوپولیسم، تعریف گفتمانی است که بیشتر در میان محققان آمریکای لاتین رواج دارد. دو لا توره^۴ پوپولیسم را نوعی لفاظی می‌داند که سیاست را در

^۱. Cas Mudde

^۲. Homogenous Groups

^۳. Antagonistic Groups

^۴. De la Torre

نبرد اخلاقی میان مردم و الیگارش‌ی ایجاد می‌کند (De la Torre, 2000: 4). هاوکینز^۱ هم پوپولیسم را به عنوان یک گفتمان مانوی که ابعاد دوگانه اخلاقی را برای منازعات سیاسی تعیین می‌کند، مفهوم‌سازی کرده است (Hawkins, 2010: 10). در همین چارچوب کازین^۲ در تحلیل تاریخی خود از پوپولیسم آمریکایی، پوپولیسم را به عنوان زبان مورد استفاده افرادی که ادعا می‌کنند برای اکثریت آمریکایی‌ها صحبت می‌کنند، تعریف کرده است. وی استدلال می‌کند که شیوه سیاسی پوپولیسم آمریکایی بر اساس تقسیم دوگانه میان "ما" و "آنها" ساخته می‌شود. برای کازین پوپولیسم یک ایدئولوژی نیست که هسته عقاید بازیگران سیاسی مشخصی را تسخیر می‌کند، بلکه شیوه‌ای از بیان سیاسی است که به‌طور گزینشی و راهبردی توسط راست‌ها و چپ‌ها و لیبرال‌ها و محافظه‌کاران مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Gidron and Bonikowski, 2013: 8).

۳- دسته سوم پوپولیسم را به عنوان یک راهبرد سیاسی در نظر می‌گیرند. این رویکرد به‌طور خاص بیشتر در میان دانشمندان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی که درباره آمریکای لاتین کار کرده‌اند رواج دارد. رویکرد مذکور سه متغیر که بر جهات مختلف راهبرد سیاسی متمرکز هستند را مورد مقایسه قرار می‌دهد: انتخاب‌های سیاسی، سازمان سیاسی و اشکال بسیج. به‌طور مثال، مادرید استدلال می‌کند که پوپولیسم شکل سیاست‌های اقتصادی خاص و مجموعه فعالیت‌های بسیج مردمی را به خود می‌گیرد. وی سیاست‌های پوپولیستی را مواردی می‌داند که هدف‌شان بازتوزیع اقتصادی، ملی کردن منابع طبیعی و بسیج عامه به نحوی است که شامل مطالبات ضد تشکیلات و نظام شود. (Madrid, 2008: 482). بعضی هم پوپولیسم را به عنوان شکلی از یک سازمان سیاسی تعریف می‌کنند. این گروه به‌طور معمول بر هویت رهبران سیاسی و ارتباط آنها با دیگر بازیگران سیاسی تأکید دارند. به عنوان نمونه، تاگارت^۳ استدلال می‌کند که مشخصه احزاب پوپولیست آن است که یک ساختار مرکزی سازمانی دارند که توسط یک رهبری قوی کارزماتیک هدایت می‌شود. به‌طور خاص به دلیل فقدان ارزش‌های اساسی، پوپولیسم به‌ویژه متمایل به سیاست

¹. Hawkins

². Kazin

³. Taggart

شخصیتی است (Taggart, 2000: 101). البته برخی از پژوهشگران معتقدند اگرچه رهبری کاریزماتیک در پوپولیسم مهم است ولی شرط لازم برای آن نیست و رهبران پوپولیست در دنیا وجود دارند که ویژگی‌های کاریزماتیک ندارند. بار^۱ که چنین اعتقادی دارد، برای تایید سخن خود به آلبرتو فوجیموری رئیس‌جمهور سابق پرو اشاره می‌کند (Barr, 2009:40). یانسن^۲ به جای تمرکز بر احزاب، بر الگوهای عمومی‌تر بسیج سیاسی از جمله جنبش‌های اجتماعی تأکید می‌نماید. وی استدلال می‌کند به جای آنکه پوپولیسم را به عنوان یک ایدئولوژی با ثبات در نظر بگیریم، باید آن را به عنوان یک طرح سیاسی ببینیم که می‌تواند توسط چالشگران و متصدیان گروه‌های مختلف در پیگیری طیف وسیعی از دستور کارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به عهده گرفته شود (Jansen, 2011: 77).

همان‌طور که مشاهده می‌شود بین رویکردهای ایدئولوژیک و گفتمانی شباهت‌هایی وجود دارد و هر دو در چارچوب سیاست تمایز میان "ما" و "آنها" به عنوان جزئی اساسی از لفاظی‌های پوپولیستی تأکید دارند.

بن استنلی^۳ چهار جزء هسته پوپولیسم را عبارت می‌داند از:

- وجود دو واحد همگن تحلیلی: "مردم" و "نخبگان".
 - روابط خصمانه میان مردم و نخبگان.
 - ایده حاکمیت مردمی.
 - ارزش‌گذاری مثبت "مردم" و بدنام کردن "نخبگان" (Ben Stanley, 2008: 102).
- در ایران هم دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به پوپولیسم وجود دارد. شهریار زرشناس معتقد است: "اساساً دولت پوپولیست یک مفهوم گنگ و تعریف نشده در ادبیات سیاسی است و به عنوان ناسزا و فحش به کار می‌رود. لیبرال‌ها وقتی از یک نظام به دلیل حضور مردمی خوششان نیاید این انگ را به کار می‌برند. آنها می‌خواهند بگویند هر نوع گرایش مردم به سمت رهبران انقلابی و حمایت مردم از آنها و هم‌نوایی رهبران با آنها نشان دهنده عوام‌فریبی است و این را تحت عنوان پوپولیسم مطرح می‌کنند. ذات لیبرالیسم چون با

¹. Barr

². Jansen

³. Ben Stanley

انقلاب مغایرت دارد نمی‌تواند اندیشه انقلابی را بپذیرد. به این دلیل هر حرکت مردمی و انقلابی را به عنوان مردم‌فریبی و عوام‌فریبی تخطئه می‌کند.^(۱)

در مقابل، محمود سریع‌القلم برداشت دیگری از پوپولیسم دارد و می‌گوید: واژه پوپولیسم که از اصطلاح «پوپولاس» به معنای مردم ساخته شده، در امریکای لاتین متولد شده است. او این واژه را در برابر خردگرایی و عقلانیت و نخبه‌گرایی و تخصص‌گرایی خواند و گفت: پوپولیسم یک نوع مزاج است، یعنی تصمیم‌گیری بر اساس اموری که در گذشته و آینده نزدیک رخ داده است. پوپولیسم نه با گذشته و نه با آینده کاری دارد. پوپولیسم با استدلال و مطالعه کاری ندارد بلکه نوعی عوام‌فریبی برای راضی کردن مردم جامعه برای چند روز آینده است.^(۲)

در این مقاله پوپولیسم به مفهوم یک ایدئولوژی ناقص و رقیق مورد نظر است زیرا با توصیف ما از وضعیت احزاب اروپایی و رویکرد آنها سازگارتر می‌باشد.

۲- جایگاه و سوابق احزاب پوپولیست در اروپا

احزاب پوپولیست دست راستی سابقه و گستره بیشتری در قاره اروپا دارند، اما تعدادی از احزاب چپ‌گرا هم در زمره احزاب پوپولیست شناخته می‌شوند. سابقه ظهور احزاب پوپولیست راست‌گرا به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد. دلایل پوپولیستی نامیده شدن این احزاب عبارتند از: "مواضع ضد نخبه‌گرایانه، دفاع از کاهش سلسله‌مراتب، ضدیت با دموکراسی ضعیف و بی‌توجهی به خواسته‌های طبقات پایین جامعه و پایگاه طبقاتی - اجتماعی گسترده این احزاب در بین طبقات یادشده. این احزاب، رادیکال هستند زیرا نگرش آنها به دموکراسی از نوع رادیکال، کمتر بوروکراتیک و قائل به فرصت‌های برابر برای همه اقشار به ویژه طبقات کارگری و پایین جامعه است. از حیث اقتصادی، مدافع تغییر و تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی و حمایت از اقتصاد ملی در مقابل جهانی شدن اقتصاد هستند. راست یا محافظه‌کار بودن آنها به این دلیل است که مدافع اعاده وضع مطلوب پیشین در جوامع صنعتی غرب بر مبنای حفظ اصالت فرهنگی - نژادی و اقتصاد آزاد ملی هستند." (سردارنیا، ۱۳۸۶: ۱۹۳)

اگرچه پوپولیسم تاریخ دیرینه‌ای در اروپا دارد، اما همیشه یک پدیده سیاسی حاشیه‌ای بوده است. این پدیده برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم در روسیه پدیدار شد.

حزبی به نام نارودنیک^۱ گروه نسبتاً کوچکی از نخبگان شهری بود که تلاش ناموفقی برای راه اندازی یک شورش دهقانی داشت. گر چه اقدام آن در روسیه ناموفق بود، ولی در اروپای شرقی که احزاب پوپولیست دهقانی در اوایل قرن بیستم فعالیت می کردند، نفوذ قوی داشت. اکثر این گروه‌ها نفوذ سیاسی اندکی در دولت‌های اقتدارگرای این دوره داشتند. در حالی که هم کمونیسم و هم فاشیسم از لفاظی‌های پوپولیستی استفاده می کردند، به‌ویژه در مرحله جنبشی، هم ایدئولوژی‌ها و هم رژیم‌ها اساساً نخبه‌گرا بودند.

بعد از جنگ جهانی دوم احزاب پوپولیست در اروپا کمتر حضور داشتند تا دهه ۱۹۹۰. در فرانسه پوژادیسیم^(۳) در اواخر دهه ۱۹۵۰، احزاب مترقی دانمارک و نروژ در دهه ۱۹۷۰ و پاسوک در دهه ۱۹۸۰ وجود داشتند ولی نمی‌توان آنها را بخشی از جنبش وسیع‌تر پوپولیستی خواند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ وضعیت با رشد احزاب دست راستی تغییر یافت، اگر چه احزاب قدیمی‌تر این گروه مانند جبهه ملی در فرانسه و بلوک فلاندری (که اکنون منافع فلاندری نامیده می‌شود) در بلژیک به عنوان احزاب نخبه‌گرا فعالیت خود را آغاز کردند، به‌زودی با شعارهایی نظیر "ما می‌گوییم به چه فکر کنید" و "صدای مردم" مرام پوپولیستی را پیش گرفتند. جدول زیر اکثر احزاب مهم پوپولیست در اروپا را فهرست کرده است. ستون سوم نتایج انتخابات اروپایی در می ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد که از ۵۱,۵ تا ۳,۷ درصد آراء متفاوت است. کشورهایی که احزاب موفق پوپولیست ندارند از فهرست غایبند (لوکزامبورگ، پرتغال یا اسلونی). به‌طور متوسط احزاب پوپولیست ۱۲,۵ درصد از آراء را در آخرین انتخابات اروپایی به خود اختصاص دادند.

^۱. Narodniki

کشور	نام حزب پوپولیست	درصد انتخابات اروپا	درصد خالص	رتبه	درصد کل	درصد تغییرات
اتریش	حزب آزادی اتریش	۱۹,۷	۲۰,۵	۳	۲۹,۸	+۱,۵
بلژیک	منافع فلاندری‌ها	۴,۱	۳,۷	۱۰	۵,۶	-۵,۷
بلغارستان	بلغارستان بدون سانسور	۱۰,۷	۵,۷	۶	۱۰,۲	+۲,۹
دانمارک	حزب مردم دانمارک	۲۶,۶	۱۲,۳	۳	۱۲,۳	-۱,۵
فنلاند	حزب فنلاندی‌ها	۱۲,۹	۱۹,۱	۲	۱۷,۷	-۱,۴
فرانسه	جبهه ملی	۲۵	۱۳,۶	۳	۲۰,۵	+۱۶,۲
آلمان	حزب چپ	۷,۳	۸,۶	۳	۱۰,۵	-۱
یونان	حزب ائتلاف چپ (سیریزا)	۲۶,۶	۳۶,۳	۱	۴۲,۱	+۶,۱
مجارستان	اتحادیه مدنی مجارستان	۵۱,۵	۴۴,۵	۱	۶۵	-۴,۳
ایرلند	شین فین	۱۹,۵	۹,۹	۴	۱۱,۳	+۳,۷
ایتالیا	جنبش ۵ ستاره	۲۱,۲	۲۵,۶	۱	۵۱,۳	+۵,۶
لیتوانی	نظم و عدالت	۱۴,۳	۷,۳	۴	۷,۳	-۵,۴
هلند	حزب آزادی	۱۳,۲	۱۰,۱	۳	۱۹,۸	-۵,۶
نروژ	حزب مترقی	--	۱۶,۳	۳	۱۶,۳	-۶,۶
لهستان	قانون و عدالت	۳۱,۸	۲۹,۹	۲	۳۹,۹	+۷,۸
رومانی	حزب مردم-دان دیاکونسکو	۳,۷	۱۴,۸	۳	۱۶,۱	+۱۳
اسلواکی	دایرکشن- سوسیال دموکراسی	۲۴,۱	۴۴,۴	۱	۶۳,۴	+۱۱,۴
اسپانیا	پودموس	۸	--	--	--	--
سوئد	دموکرات‌های سوئد	۹,۷	۱۲,۹	۳	۱۲,۹	+۷,۲
سوئیس	حزب مردم سوئیس	--	۲۶,۶	۱	۲۷,۸	-۱,۷
انگلیس	حزب استقلال	۲۷,۵	۳,۱	۳	۱۳,۲	+۷,۶

ستون چهارم بهترین نتیجه احزاب پوپولیست در آخرین انتخابات داخلی را نشان می‌دهد. ستون پنجم رتبه آن را در میان تمام احزاب ملی نشان می‌دهد و ستون ششم مجموع آراء تمام احزاب پوپولیست در کشور است و ستون هفتم تغییرات در کل آراء پوپولیست‌ها بین آخرین انتخابات و انتخابات ملی قبلی است. نتایج این جدول حاکی از آن است که:

- ۱- احزاب پوپولیست در اکثر کشورهای اروپایی موفق بوده‌اند. در تقریباً بیست کشور اروپایی یک حزب پوپولیست حداقل ۱۰ درصد آراء ملی را به خود اختصاص داده است.
- ۲- کلیه احزاب پوپولیست به همراه هم به‌طور میانگین ۱۶,۵ درصد آراء در انتخابات‌های محلی را کسب کرده‌اند. این از ۶۵ درصد در مجارستان که توسط دو حزب Fidesz و جنبش برای مجارستان بهتر (Jobbik) کسب شده تا ۵,۶ درصد در بلژیک متغیر است.
- ۳- در حالی که روند کلی حرکت رو به بالا است، بیشتر احزاب پوپولیست عمر کوتاهی از لحاظ انتخاباتی دارند. احزاب پوپولیست اندکی قادر به تثبیت خود به عنوان نیروهای نسبتاً باثبات سیاسی در نظام ملی حزبی شده‌اند.
- ۴- تفاوت‌های زیادی میان این احزاب از لحاظ ماندگاری وجود دارد. در حالی که برخی احزاب پوپولیست جدید هستند (مثل جنبش ۵ ستاره و پودموس) احزاب دیگر عمر طولانی‌تری دارند (مثل جبهه ملی، حزب چپ آلمان). و در حالی که بعضی از آنها روند صعودی را طی می‌کنند (مانند سیریزا و یوکیپ)، بقیه در حال افت هستند (مانند حزب مردم- دان دیاکونسکو رومانی و ولامز بلانگ^۱ بلژیک).
- ۵- از مجموع عملکرد احزاب پوپولیست چهار نتیجه قابل استنتاج است: اول، در ۵ کشور یونان، مجارستان، ایتالیا، اسلواکی و سوئیس، یک حزب پوپولیست بزرگترین حزب سیاسی کشور است. دوم، احزاب پوپولیست اکثریت آراء را در سه کشور مجارستان، ایتالیا و اسلواکی به دست آورده‌اند، هرچند در حداقل ۲ کشور از سه کشور مذکور، احزاب پوپولیست اصلی قویاً از ائتلاف سرباز زده‌اند. وضعیت در مجارستان شدیدتر است چرا که هم حزب اصلی دولت (Fidesz) و هم حزب اصلی مخالف آن (Jobbik) پوپولیست هستند.

^۱. Vlaams Belang

سوم، احزاب پوپولیست در هفت دولت شامل فنلاند، یونان، مجارستان، لیتوانی، نروژ، اسلواکی و سوئیس حضور دارند. یونان تنها موردی است که دولت ائتلافی آن از دو حزب چپ و راست پوپولیست تشکیل شده است. چهارم، در شش کشور مجارستان، ایتالیا، لیتوانی، لهستان، اسلواکی و سوئیس یک حزب پوپولیست بخشی از نظام تثبیت شده سیاسی است. قابل ذکر است که پوپولیسم معمولاً جزو احزاب چالشگر وضع موجود است و به طور معمول از استقرار در یک نظام سیاسی ناتوان است.

۳- سیاست خارجی احزاب پوپولیست

وقتی از سیاست خارجی احزاب پوپولیست در اروپا سخن می‌گوییم شاید این تصور ایجاد شود که این احزاب اصول و اهداف مشترکی در سیاست خارجی دنبال می‌کنند، ولی واقعیت آن است که این احزاب - چه چپ و چه راست - در مورد بسیاری از مسائل سیاست خارجی توافق ندارند و یا درجات مخالفت یا موافقت‌شان با مسائل سیاست خارجی با یکدیگر تفاوت دارد. موضوعات سنتی سیاست خارجی و امنیتی چندان مورد توجه احزاب پوپولیست نیست، اما مسائلی که اخیراً بحران‌هایی را برای اروپا ایجاد کرده است، نظیر هجوم پناهندگان به اروپا و تروریسم در کانون توجه آنها قرار دارد. در اینجا چند موضوع سیاست خارجی مورد توجه احزاب پوپولیست اشاره شده و تفاوت‌ها و تشابهات این احزاب در مورد این مسائل بیان خواهد شد:

۳-۱- نهادهای اروپایی

انتقاد از اتحادیه اروپا و نهادهای اروپایی یکی از مشترکات اصلی احزاب پوپولیست اعم از چپ و راست می‌باشد. با این حال درجات مخالفت این احزاب با نهادهای اروپایی متفاوت است. برخی از این احزاب خواستار خروج کشورشان از اتحادیه اروپا هستند در حالی که برخی دیگر از ایجاد تغییرات ساختاری در این نهاد و انتقال اقتدار از بروکسل به ساختارهای ملی حمایت می‌کنند. حزب استقلال انگلیس (یوکیپ) و حزب آزادی هلند هر دو خواستار خروج کشورشان از اتحادیه اروپا هستند. نایجل فاراژ رهبر حزب یوکیپ پیش از همه‌پرسی

خروج انگلیس از اتحادیه اروپا در جمع هواداران خود گفت: "اتحادیه اروپا شبیه یک ساختمان در حال سوختن است، اما یک درب خروج هم وجود دارد و من پیشنهاد می‌کنم که در ۲۳ ژوئن (روز همه‌پرسی در مورد خروج از اتحادیه اروپا) آن را برگزینیم."^(۴) در هلند هم گیت وایلدن رهبر حزب آزادی گفت: "خروج از اتحادیه اروپا به هلند اکسیژن خواهد داد، در حالی که اتحادیه اروپا ما را خفه کرده است."^(۵)

سایر احزاب همه در زمره احزاب بدبین به اتحادیه اروپا هستند. جبهه ملی فرانسه خواستار کاهش قدرت فراملی اتحادیه اروپا است. مارین لوپن رهبر حزب در گفتگو با اشپیگل، هنگامی که خبرنگار از او سؤال کرد که آیا شما می‌خواهید اروپا را خراب کنید، گفت: من می‌خواهم اتحادیه اروپا را خراب کنم و نه اروپا را. من معتقد به اروپای متشکل از دولت‌ها هستم.^(۶) مواضع مشابهی هم از سوی حزب آزادی اتریش (FPO) و حزب ۵ ستاره در ایتالیا اتخاذ شد.

در مورد واحد پولی مشترک یورو هم دیدگاه‌ها متفاوت است. دو حزب جبهه ملی در فرانسه و حزب آزادی در هلند از خروج از واحد پولی مشترک یورو حمایت می‌کنند. خانم لوپن در همان مصاحبه با اشپیگل در پاسخ به این سؤال که آیا واقعاً خواستار خروج فرانسه از یورو است، گفت: من این موضوع را از زمان انتخابات ریاست جمهوری فرانسه گفته‌ام. این وظیفه‌ای دشوار است و من ریسک بزرگی می‌کنم. من به خوبی می‌دانم که طبقات سیاسی در میان رأی‌دهندگان بذر ترس می‌پاشند: بدون یورو خورشید از تابش خواهد ایستاد، رودخانه‌ها جاری نخواهند شد و ما وارد عصر یخبندان خواهیم شد. حزب آزادی اتریش بیشتر از مذاکره برای اصلاح و ساختار بندی جدید پول مشترک حمایت می‌کند. در دانمارک، مجارستان و انگلیس هم یورو پذیرفته نشده است. سیریزا در یونان هم نظر متفاوتی دارد. این حزب موافق حضور یونان در پول واحد است ولی خواستار تغییرات اساسی در سیاست‌های پولی و مالی اتحادیه و پایان دادن به سیاست‌های ریاضتی است. یکی از بنیان‌گذاران حزب آلترناتیو برای آلمان (AFD) اشاره کرد که ایجاد پول مشترک یک تجربه واقعاً بی‌معنی بود که توسط افرادی که کاملاً در مسائل اقتصادی بی‌سواد بودند طراحی شد... یا از دیدگاهی آرمانی و متعصبانه الهام گرفته بود که به نظر می‌رسید به آنها

حق می‌داد تا واقعیت را نادیده بگیرند.^(۷) حزب آلترناتیو و حزب ۵ ستاره ایتالیا بیش از همه یورو را هدف قرار داده و نسبت به چگونگی اداره منطقه یورو انتقاد داشتند. دو حزب چپ‌گرای سیریزا و پودموس هم انتقادات مشابهی را در این زمینه داشتند. موضع مقامات حزب فنلاندی‌ها (Finns) داشتن یک اتحادیه اروپای محدودتر ولی بهتر بود. سیریزا و دیگر احزاب چپ استدلال می‌کردند که اتحادیه اروپا توسط نئولیبرالیسم احاطه شده و مخالف منافع طبقه کارگر و کشورهای ضعیف‌تر اتحادیه اروپا است.

۲-۲- همکاری‌های یوروآتلانتیک

جبهه ملی فرانسه خواستار خروج از ناتو است. در مقابل، حزب آزادی هلند ادامه عضویت در ناتو را خواستار است ولی پیشنهاد کرده ترکیه از سازمان اخراج شود. در همین حال، یوکیپ ناتو را برای دفاع از بریتانیا ضروری می‌داند. سیریزا در یونان و جبهه ملی در فرانسه هر دو مخالف سیاست‌های آمریکا بوده و از جایگزینی کشور دیگر یعنی روسیه به جای آمریکا حمایت می‌کنند. جبهه ملی فرانسه به‌طور مستمر با اقدامات سیاست خارجی ایالات متحده مخالفت کرده و حتی خواستار خروج فرانسه از ناتو شده است. ژان ماری لوپن هر دو جنگ آمریکا در خلیج فارس را محکوم و در جنگ دوم از صدام حسین به‌طور سیاسی و شخصی حمایت کرد. (Chryssogelos, 2011: 12) حزب چپ آلمان^۱ خواستار انحلال ناتو و ایجاد یک نظام امنیتی اروپایی با حضور روسیه است. این حزب ناتو را یک سازمان متجاوز می‌داند که در مقابل سلطه‌گری و توسعه‌طلبی آمریکا سر خم کرده است. حزب چپ تنها حزب پارلمانی بود که به‌طور جدی با تمديد مأموریت نیروهای آلمانی در افغانستان مخالفت کرد. (Ibid: 16)

۳-۳- منازعه خاورمیانه

یکی دیگر از موضوعات سیاست خارجی مورد توجه احزاب پوپولیست اروپا، منازعه در خاورمیانه است. بحث‌های ضد یهودی در اروپا بعد از جنگ جهانی دوم کاهش یافت ولی با تشکیل

^۱. Die Linke

دولت صهیونیستی و منازعه اسرائیل - فلسطین، بار دیگر این مباحث در محافل اروپایی مطرح شد. حزب جبهه ملی فرانسه همواره کشتار فلسطینی‌ها توسط نیروهای اشغالگر را محکوم کرده است. جبهه ملی فرانسه معتقد است غرب سیاست‌های دوگانه‌ای را نسبت به اسرائیل و فلسطین پیش گرفته است. البته این حزب از ایجاد دو دولت یهودی و فلسطینی حمایت می‌کند و رهبر کنونی حزب برخلاف پدرش از الفاظ یهودستیزانه استفاده نمی‌کند. "به نظر می‌آید پوپولیسم حزبی وی را وادار کرده تا میان تمایل به یهودستیزی و هشدار نسبت به خطر مسلمانان در فرانسه توازن ایجاد نماید". در اتریش حزب آزادی در دوره‌هایدر تمایلات یهودستیزانه داشت. در حال حاضر حزب مواضع ضد اسرائیلی خود در مورد مسائل خاورمیانه را حفظ کرده، خواستار تشکیل دولت فلسطینی است و اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل و نقض حقوق بین‌الملل [توسط این رژیم] را محکوم می‌نماید. در هلند موضوع متفاوت است. حزب آزادی حامی اسرائیل و مخالف مسلمانان بوده و با سیاست چند فرهنگی احزاب سنتی هلند مخالف است.

۳-۴- کمک به کشورهای فقیر

احزاب پوپولیست دست راستی با طرح مسائل و نگرانی‌های جهانی راحت نبوده و بیشتر بر مسائل ملی و یا حداکثر اروپا محور تمرکز دارند. اکثر احزاب دست راستی در مورد کمک مستقیم سکوت کرده و دوست ندارند دولت‌هایشان به کشورهای دورافتاده فقیر که سوء مدیریت و فساد در آنها بیداد می‌کند، کمک کنند. " (Chryssogelos, 2011: 27). اخیراً حزب آزادی اتریش تنها حزب در پارلمان اتریش بود که با افزایش بیشتر کمک به آفریقا و نیز مشارکت بیشتر اتریش در بانک توسعه آسیایی مخالفت کرد. (Ibid). در هلند، در مذاکرات مربوط به ائتلاف بعد از انتخابات، حزب پوپولیست آزادی خواستار حذف بودجه کمک رسانی بود، لیبرال‌ها خواستار کاهش آن به نصف بودند و دموکرات مسیحی‌ها هم به دنبال حفظ بودجه به همان میزان قبلی بودند.^(۸) در نهایت ائتلاف دولتی توافق کرد با ایجاد یک کاهش اندک سطح کمک‌های توسعه‌ای را به ۰,۷ درصد بودجه ملی برساند.^(۹) جالب است که احزاب پوپولیست دست راستی کمک توسعه‌ای را راهی برای ترغیب مردم فقیر برای ماندن در کشورشان به جای مهاجرت به اروپا نمی‌دانند. حزب آزادی اتریش و حزب آزادی هلند راه حل

عدم موازنه جهانی را در تجارت بیشتر و باز بودن اقتصاد جهانی می‌دانند و نه کمک به کشورهای فقیر. (Ibid) در حوزه جهانی، احزاب پوپولیست دست راستی استثنا گرا هستند: آنها انتظار دارند جهان جنوب در عرصه بین‌المللی رقابت کند بدون آنکه هیچ دریچه امنی مانند مهاجرت یا اصلاح نهادهای جهانی وجود داشته باشد (Chryssogelos, 2011: 30).

در انگلیس حزب استقلال (یوکیپ) با تخصیص ۰,۷ درصد درآمد ناخالص ملی (GNI) به برنامه اهداف توسعه هزاره سازمان ملل که جهت کمک توسعه‌ای به کشورهای فقیر است مخالفت کرده و خواستار کاهش آن به ۰,۲ درصد شد (Balfor and Others, 2016:37). حزب جبهه ملی فرانسه خواستار کاهش کمک توسعه‌ای نشده ولی سیاست خارجی کشور را به حفظ و حمایت از منافع فرانسه در خارج گره زده است که شامل مذاکره مجدد در مورد قراردادهای کشورهای مغرب عربی (تونس، الجزایر، مراکش و لیبی) برای متوقف کردن سیل مهاجرت و راه اندازی یک سیاست آفریقایی با هدف جلوگیری از مهاجرت به فرانسه و گسترش فرهنگ و زبان فرانسوی در خارج از کشور می‌شود. (Ibid). در اتریش سباستین کورتز وزیر خارجه محافظه‌کار از حزب مردم از اتحادیه اروپا خواست تا کمک به کشورهایی مانند مراکش، پاکستان و تونس را که مایل به بازگرداندن اتباع خود که درخواست پناهندگی‌شان رد شده، نیستند، متوقف کند.^(۱۰)

۳-۵- مسائل مهاجرتی

در مسائل مهاجرتی تفاوت‌های مهمی میان دو طیف پوپولیست چپ و راست وجود دارد. احزاب پوپولیست راست از سیاست چندفرهنگی وحشت دارند و معتقد به محدود کردن آن هستند. آنها حتی به‌طور آشکار رویکرد بیگانه ستیزانه‌ای به مهاجرت دارند که با دیدگاه‌های آنها در موضوعات دیگر (نظیر اسلام ستیزی یا لغو شنگن) همخوانی دارد. برنامه ضد مهاجرتی از نظر انتخاباتی هم در سطح ملی و هم سطح اروپایی موفق بوده است. هیتلر گراب^۱ ۱۱۴ نماینده بیگانه ستیز را در پارلمان اروپا شناسایی کرده است (۱۵,۲ درصد کل نمایندگان) که همگی عضو احزاب ضد مهاجرتی هستند.^(۱۱)

¹. Heather Grabbe

احزابی مانند یوکیپ، جبهه ملی فرانسه، ائتلاف مدنی مجارستان (Fidesz)، حزب آزادی اتریش، حزب آزادی هلند، حزب منافع فنلاند (VB) و حزب لیگا نورد ایتالیا همه از اقدامات سختگیرانه برای توقف مهاجرت، جلوگیری از انتقال آزاد مردم در اروپا، جرم شناختن مهاجرت بی‌رویه، اخراج مهاجران ساکن در صورت ارتکاب جرم و منع آمیزش خانوادگی به نام اهریمن چند فرهنگی، حمایت می‌کنند. (Ibid: 43). ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان اخیراً ادعا کرد که همه تروریست‌ها جزو مهاجرین هستند.^(۱۲)

در دهه‌های اخیر، همبستگی آشکاری میان مشارکت احزاب پوپولیست ضد مهاجرت در دولت و معرفی سیاست سختگیرانه مهاجرتی وجود داشته است. در دانمارک حزب مردم (DPP) یکی از احزاب کوچکتر حاضر در ائتلاف دولتی از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ بود، دهه‌ای که دانمارک به سمت سیاست‌های سخت‌تر مهاجرتی و ادغام حرکت کرد و به دنبال کنترل سخت‌تر مرزی بود. در ۲۰۱۱ این کشور به‌طور یکجانبه اقدام به برقراری کنترل در مرز با آلمان کرد که موجب شکایت‌هایی از جانب شرکای اتحادیه اروپا و اتحادیه شنگن شد (Hill, 2013). ورود بی‌سابقه مهاجران به اروپا جایگاه احزاب راست پوپولیست را دستخوش تغییر ساخت. گرایش حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) از جنبه عمدتاً ضد اروپایی به جنبه ضد مهاجرتی تبدیل شد. نظرسنجی اوایل سال ۲۰۱۶ نشان داد که این حزب با کسب ۱۲ درصد از لحاظ سیاسی از این تغییر گرایش بهره‌مند شده است. اتریش در جریان انتخابات اکتبر در شهر وین شاهد چرخش بیشتر به راست بود و حزب آزادی ۳۰٫۸ درصد آراء را کسب کرد که ۵ درصد در مقایسه با دوره قبل رشد داشت. در هلند نظرسنجی‌ها حاکی از رشد حزب آزادی است به‌گونه‌ای که حمایت از گیت وایلدرز به‌طور میانگین بین ۲۰ تا ۲۸ درصد رسید و حزب را مجدداً تبدیل به بزرگترین حزب کشور کرد. در فرانسه جبهه ملی در انتخابات محلی اواخر ۲۰۱۵ موفقیت کسب کرد و مارین لوپن را به انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در سال ۲۰۱۷ امیدوار کرد.

گذشته از همه‌پرسی‌ها و نتایج انتخابات، هجوم آوارگان و مهاجران در سال ۲۰۱۵ مواضع شدیدتر علیه احزاب حاکم را هم به همراه داشت. ویکتور اوربان و دیگر رهبران دولت از جمله رابرت فیکو نخست‌وزیر سوسیال دموکرات اسلواکی و نیز میلوش زمان رئیس‌جمهور

چک با موفقیت از بحران برای بسیج احساسات ضد مهاجرتی استفاده کرده و حمایت‌های عمومی را بیشتر کردند. فیکو طرح جابجایی مهاجرین را یک شکست کاملاً مفتضحانه و سیاست مهاجرتی اتحادیه اروپا را یک خودکشی آیینی دانست.^(۱۳) میلوش زمان هجوم آوارگان را یک "تهاجم سازمان یافته" دانست^(۱۴) و اوربان آن را "معادله ساده‌ای" خواند که به گفته وی سرانجام تعداد مسلمانان به خاطر فرهنگ خانوادگی از ما بیشتر خواهد شد.^(۱۵) دولت‌های اسلواکی و مجارستان هر دو علیه معرفی طرح جابجایی [مهاجران] رأی داده و یک چالش حقوقی علیه تصمیم شورا برای ایجاد این مکانیسم به راه انداختند.

فقدان پاسخ هماهنگ اتحادیه اروپا به هجوم آوارگان فرصتی برای احزاب پوپولیست دست راستی فراهم کرد تا از این طوفان سود ببرند. (Hill, 2013: 48). اما احزاب چپ، به‌طور معمول از زاویه نگاه انسانی و حقوق بشری بحث پناهندگان را دنبال می‌کنند و رویکردی کاملاً متفاوت با احزاب دست راستی دارند. سیریزا موضع مشخصی در این رابطه نداشته است، اما پودوموس در مواضع خود معتقد به جابجایی آزادانه مردم، تقویت حق پناهندگی و تقویت مکانیسم‌های مشخص مهاجرتی (به‌طور مثال از طریق ایجاد فضا برای چرخش مهاجرت میان اسپانیا و آمریکای لاتین) است، اما هیچ اشاره‌ای به منابع مالی لازم برای تعقیب این اهداف سیاست خارجی نکرده است.

۳-۶- مداخله نظامی برون مرزی

اکثر احزاب پوپولیست مخالف مداخله نظامی در خارج از کشور هستند. در میان احزاب چپ، برخی ایدئولوژی قوی صلح طلبانه دارند که از جمله حزب ۵ ستاره ایتالیا چنین رویکردی دارد. در آغاز حملات پاریس، حزب پودوموس اسپانیا یک طرح ۷ بندی پیشنهاد کرد تا با داعش عراق و سوریه از طریق ترکیبی از اقدامات محدود کننده برای تخریب منابع مالی سازمان و حمایت از دموکراسی و جامعه مدنی در جهان عرب مبارزه شود.^(۱۶)

مبانی قوی ایدئولوژی بومی‌گرایی و ملی‌گرایی احزاب راست آنها را به سمت ترجیح مواضع ناسیونالیستی رهنمون ساخته که اغلب هم با پیامدهای انزواگرایانه همراه بوده است، هرچند آنها از اصل دفاع از خود حمایت می‌کنند. حزب مردم دانمارک (DPP) مخالف هر

گونه مداخله است اگرچه از مشارکت در نیروهای حافظ صلح تنها با مجوز سازمان ملل حمایت می‌کند. اکثر احزاب پوپولیست دست راستی مواضع خود را از موردی به مورد دیگر تغییر می‌دهند و بر مبنای ایدئولوژی عدم مداخله فعالیت نمی‌کنند. متغیرهای دیگری نظیر اسلام ستیزی یا ترجیحات روس‌گرایی هم در این تصمیم‌گیری‌ها دخیل هستند. مارین لوپن بارها به دولت فرانسه برای حمله به سوریه تاخته و از اتحاد با روسیه حمایت کرده است. سیاست هویتی هم در این زمینه نقش دارد. وزیر خارجه فنلاند متناوباً به نیاز برای حراست از مسیحیان خارج از کشور اشاره کرده است.

عملکرد احزاب پوپولیست در دوره‌های گوناگون متناقض بوده است. زمانی که پوپولیست‌ها در دولت ائتلافی هستند، تصویر در هم آمیخته می‌شود. در ایتالیا حزب لیگا نورد^۱ (LN) در سال ۱۹۹۷، زمانی که در اپوزیسیون بود، از انجام مداخله در آلبانی برای جلوگیری از هجوم آوارگان حمایت کرد. اما در ۱۹۹۹ با مداخله نظامی ناتو در کوزوو مخالفت و آشکارا از دولت صرب اسلوبودان میلوشویچ علیه استقلال کوزوو حمایت کرد. زمانی که عضو دولت بود، از مشارکت ایتالیا برای مداخله در افغانستان حمایت کرد اما بعد به اردوی مخالفان مداخله در عراق پیوست.

مواضع احزاب پوپولیست در مورد سیاست امنیتی و دفاعی به‌ویژه بین راست و چپ متفاوت است. اکثر احزاب پوپولیست چپ خواستار منطقی شدن هزینه‌های دفاعی شده و هزینه‌ها و کلیه عملیات‌های نظامی را تحت نظارت موشکافانه عمومی از طریق ارجاع آنها به همه‌پرسی قرار می‌دهند. آنها استدلال می‌کنند که برخی قراردادهای نظامی مانند دفاع ضد موشکی باید مورد بازنگری قرار گیرند (Balfor and Others, 2016:36). مانیفست انتخاباتی سیریزا در یونان شامل نیاز به بازنگری هزینه‌های نظامی بود، اما کاهش واقعی تنها در ژوئن ۲۰۱۵ پیشنهاد شد.^(۱۷) برعکس، برخی احزاب پوپولیست دست راستی نسبت به کاهش بودجه دفاعی نگران بوده یا خواستار افزایش هزینه‌های نظامی برای دفاع سرزمینی و نه مداخلات نظامی خارج از کشور هستند. جبهه ملی فرانسه به‌طور خاص استدلال می‌کرد که فرانسه باید حداقل ۲ درصد بودجه‌اش را صرف امور دفاعی کند.^(۱۸)

^۱. Lega Nord

جبهه ملی اصرار دارد که بودجه نظامی فرانسه باید بازدارندگی هسته‌ای و توانمندی طراحی نظامی را از طریق همکاری دفاعی با دیگر کشورها از جمله روسیه تقویت نماید و این کشور یک سیاست قوی‌تر دریایی پیش گیرد.

۴- همبستگی ایدئولوژیک احزاب پوپولیست اروپا با روسیه؛ مورد مطالعاتی: اوکراین

برای روشن شدن مفهوم همبستگی دو تعریف نسبتاً مشابه از لغت‌نامه‌های معروف انگلیسی ارائه می‌گردد. در دیکشنری کولینز آمده است: «اگر گروهی از مردم همبستگی نشان دهند، آنها حمایت از یکدیگر یا گروه دیگری به‌ویژه در سیاست یا امور بین‌المللی را نشان می‌دهند».^(۱۹) دیکشنری مریام وبستر هم مفهوم همبستگی را چنین تعریف کرده است: «اتحادی که ایجاد کننده یا مبتنی بر اشتراک منافع، اهداف و معیارها است».^(۲۰)

تعریف ایدئولوژی در این پژوهش تعریفی است که ون دایک^۱ ارائه می‌کند و عبارت است از «نظامی از باورها که این نظام به صورت اجتماعی در میان اعضای گروه‌ها مشترک است و کارکردی شناختی دارد؛ به این معنا که انسجامی ایدئولوژیک برای باورهای افراد فراهم می‌کند. افراد ایدئولوژی‌ها را به شکل تدریجی فرا می‌گیرند و گاهی ایدئولوژی‌های فراگرفته شده در طول دوران زندگی فرد دستخوش تغییرات می‌شوند؛ هرچند دارای ثباتی نسبی‌اند» (شهری، ۱۳۹۱: ۶۱). در اینجا وقتی از همبستگی ایدئولوژیک احزاب پوپولیست با روسیه سخن می‌گوییم منظور باورهای مشترک این احزاب نسبت به نظام سیاسی روسیه، رویه حکومت‌داری، فرایند سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور و رویکرد و جهان‌بینی حاکمان روسیه به‌ویژه شخص پوتین است.

نظام روسیه و رهبری آن واجد عناصری هستند که در چارچوب باورهای احزاب پوپولیست اروپا، تأمین کننده منافع و اهداف این احزاب است. همبستگی ایدئولوژیک در احزاب پوپولیست راست ارزش‌های محافظه‌کارانه اجتماعی، دفاع از حاکمیت ملی، تمرکز قدرت دولتی و رد بین‌الملل‌گرایی و مداخله‌گرایی لیبرالی است. در احزاب پوپولیست چپ اروپا شامل مخالفت با جهانی شدن، مخالفت با نظام سرمایه‌داری و پیوند نوستالژیک با اتحاد شوروی است.

^۱. Van Dijk

پیتر پومرانتسوف^۱ و مایکل وایس^۲ راهبرد کرم‌لین در مورد احزاب راست و چپ را بدین شکل خلاصه کرده‌اند: «برخلاف دوره جنگ سرد که شوروی عمدتاً احزاب چپ‌گرا را حمایت می‌کرد، رویکرد سیال به ایدئولوژی اکنون به کرم‌لین اجازه می‌دهد تا همزمان جنبش‌های چپ و راست افراطی، سبزه‌ها، مخالفین جهانی شدن و نخبگان مالی را مورد حمایت قرار دهد. هدف تشدید اختلافات و ایجاد چتر حمایتی کرم‌لین است».^(۲۱)

۴-۱- احزاب پوپولیست راست‌گرا و محافظه‌کاری سنتی روسیه

وطن‌پرستی، حمایت از مذهب، خانواده و حفظ سنت‌های ملی از اصول مهم محافظه‌کاری است. پوتین رئیس‌جمهور روسیه بارها مفهوم وطن‌پرستی را در سخنرانی‌های خود به کار برده و گذشته از آن به نظر بسیاری از جمله مقامات احزاب پوپولیست اروپا این خصیصه را در عمل خود نیز نشان داده است. پوتین اخیراً در جمع کارفرمایان ۴۰ منطقه روسیه گفت: تنها انگاره ممکن اتحاد بخش برای روسیه وطن‌پرستی است. در تابستان ۲۰۱۵ وی گفت وطن‌پرستی وظیفه مقدس روس‌ها است و در اکتبر هم آن را جهت سنج اخلاقی برای نوجوانان دانست.^(۲۲) مارین لوپن رهبر حزب جبهه ملی فرانسه پوتین را به عنوان یک وطن‌پرست واقعی و مدافع ارزش‌های اروپایی و میراث مسیحی تمدن اروپایی مورد ستایش قرار داد (Poliakova, 2014). کابور وونا^۳ رهبر حزب جوبیک مجارستان هم بدون پنهان کردن احساسات خود اعلام کرد که اروپا یک کشتی در حال غرق شدن است که ارزش‌هایش را از دست داده و اروپایی‌ها باید به ریشه‌های خود برگردند و رابطه با دیگر فرهنگ‌های سنتی که در حال حاضر تنها در شرق وجود دارد - سخنانی که اشاره آشکار به روسیه داشت - را تنظیم کنند.^(۲۳) دفاع از ارزش‌های اجتماعی و نهادهای سنتی مانند خانواده توسط پوتین و مخالفت صریح وی با تبلیغات همجنس‌بازی و ازدواج همجنس‌بازها، مورد توجه احزاب راست پوپولیست اروپا است. در ژوئن ۲۰۱۳ دومای روسیه قانونی را تصویب کرد که تبلیغ روابط جنسی غیر سنتی در میان افراد نابالغ را ممنوع می‌کرد. جولین

¹. Peter Pomerantsev

². Michael Weiss

³. Gabor Vona

روشدی رهبر سازمان جوانان جبهه ملی فرانسه خواستار تصویب قوانین مشابهی در کشورهای اروپایی شد (Klapisis, 2015: 19).

سیاست‌های داخلی پوتین هم مورد استقبال احزاب پوپولیست راست بوده است. تمرکز قدرت در دولت، که در غرب با عنوان اقتدارگرایی از آن یاد می‌شود، حمایت از کلیسای ارتدوکس، سختگیری علیه رسانه‌ها و جامعه مدنی، محدود کردن فعالیت سازمان‌های غیردولتی و مجموعه اقداماتی که باز در غرب با عنوان اقدامات ضد لیبرالی شناخته می‌شود، مورد تایید احزاب راست پوپولیست اروپایی است.

دو نقل قول زیر هم‌پوشانی میان بعضی پوپولیست‌های راست‌گرا در اتحادیه اروپا و نمایندگان دولت روسیه را آشکار می‌کند. اولین نقل قول از سخنرانی ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۳ است. پوتین در بخشی از سخنانش گفت: «یکی دیگر از چالش‌های هویت روسیه در ارتباط با تحولات رخ داده در جهان است. اینجا منظور هم سیاست خارجی و هم جنبه‌های اخلاقی است. ما مشاهده می‌کنیم چه تعداد از کشورهای حوزه یورو-آتلانتیک در واقع در حال طرد ریشه‌های خود از جمله ارزش‌های مسیحی هستند که مبنای تمدن غربی را شکل می‌دهد. آنها اصول اخلاقی و تمام هویت‌های سنتی ملی، فرهنگی، مذهبی و حتی جنسی را رد می‌کنند. آنها سیاست‌هایی را به اجرا می‌گذارند که خانواده‌های گسترده را با خانواده از یک جنسیت و اعتقاد به خدا را با اعتقاد به شیطان یکسان می‌گیرند... در اروپا و بعضی کشورهای دیگر سیاست به اصطلاح چند فرهنگی اجرا می‌شود... تصادفی نیست که امروز سیاست‌مداران اروپایی و شخصیت‌های عمومی به‌طور فزاینده‌ای درباره شکست چند فرهنگی سخن می‌گویند و آنها نمی‌توانند زبان‌های خارجی یا عناصر فرهنگی خارجی را در جوامع شان ادغام کنند»^(۲۴)

نقل قول دوم از سخنرانی مشاور ژئوپلیتیک رهبر حزب جبهه ملی فرانسه (بعد رئیس هیأت حزب در پارلمان اروپا شد) در دومای روسیه در تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۱۳ گرفته شده است. وی از جنگ الیگارش‌ی مالی آمریکایی علیه مردم آزاد سخن گفت و افزود: «جنگ ژئوپلیتیک که توسط آن الیگارش‌ی علیه روسیه و علیه استقلال اروپایی‌ها برپا شد، با جنگی ایدئولوژیکی تطبیق یافت. دیروز انقلاب‌های رنگی در گرجستان و اوکراین و امروز پوسی‌رایت^(۲۵) و ازدواج همجنس‌گرایان در فرانسه - که هر دو از یک پدیده سرچشمه می‌گیرند- ائتلاف جهانی شدن

غربی با پوچ‌گرایی آنارشیستی، ایدئولوژی مخربی که در اشکال مختلف در تاریخ جلوه‌گر شده و هرگز تخریب پایه‌های تمدنی، کرامت انسانی و حاکمیت ملی خانواده را متوقف نکرده‌اند... مردمان تمام دنیا که به استقلال انسان‌ها و پایه‌های تمدن‌مان پایبند هستند امروزه به مسکو چشم دوخته‌اند» (Janssen, 2016: 38).

بر اساس پژوهش انجام شده توسط بنیاد سرمایه سیاسی مجارستان، ۱۵ حزب راست افراطی اروپایی آشکارا تمایل خود را به روسیه ابراز می‌کنند. برخی مناسبات مالی میان این احزاب و روسیه آشکار است. برای مثال، جبهه ملی فرانسه از یکی از بانک‌های روسی وامی به ارزش ۱۱,۷ میلیون دلار دریافت کرد. ماری لوپین در سخنانی تأکید کرد که این مسئله چیز پنهانی نیست و رسوایی آن است که بانک‌های فرانسوی حاضر به پرداخت وام نشدند.^(۲۶) ترکیب احزاب چپ و راست افراطی طرفدار روسیه در اروپا تقریباً ۲۰ درصد پارلمان اروپا را شامل می‌شود.^(۲۷)

۴-۲- پیوند احزاب چپ پوپولیست اروپایی و روسیه

توضیح زمینه‌های همبستگی ایدئولوژیک احزاب افراطی راست‌گرا با روسیه آسان است. نظام سیاسی اقتدارگرای روسیه و رهبری آهنین پوتین در رأس آن، ارجاعات مداوم به ارزش‌های خانواده و مسیحیت و منافع ملی، مکانیسم اقتصاد بازار و کنترل دولتی بر بخش‌های راهبردی، مدل سیاسی مطلوبی را برای بسیاری از احزاب راست‌گرای افراطی اروپا ایجاد کرده است. اما به سختی می‌توان موضع حمایتی چپ‌گرایان افراطی که ایدئولوژی مساوات خواهی و صلح‌طلبی دارند از یک نظام نو محافظه‌کار پساکمونئیستی که تمایلات قوی اقتدارگرایانه و شوونیستی دارد، بر نقش مذهب تأکید می‌کند، نابرابری‌های گسترده را بازتولید و تقویت می‌کند، دستور کار تهاجمی ملی‌گرا-امپریالیستی ژئوپلیتیک دارد و مرتب غرب را تهدید به حمله اتمی می‌کند، درک کرد (Kreko & Gyori, 2016: 6). با توجه به مراتب فوق، روشن می‌گردد احزاب افراطی چپ‌گرا چه دلیلی برای همبستگی با روسیه دارند. در اینجا پنج دلیل قابل استناد است:

اول؛ بقایای شبکه‌های تاریخی رفقا میان احزاب کمونیست و شوروی (به‌ویژه در مورد

حزب سیریزا و حزب کمونیست یونان و حزب کمونیست چک مشهود است)؛

دوم؛ ساختارهای سازمان یافته جدید بین‌المللی چپ افراطی، مانند «مجمع بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری»^۱ احزاب کمونیستی اروپایی و روسیه را گرد هم جمع می‌کند؛ سوم؛ اصل «دشمن دشمن من دوست من است»؛ انتقاد از جهانی‌سازی، ایالات متحده و متحدین طبیعی لیبرال - سرمایه‌داری غرب در راستای ایدئولوژی احزاب چپ ضد نظم موجود؛

چهارم؛ اقتصاد کنترل شده روسیه که متعهد به حفظ و نظارت بر سرمایه‌های بزرگ است، مدل جذابی برای بسیاری از مخالفین سرمایه‌داری است؛

پنجم، پویش‌های دروغین کرملین که به‌طور موفقیت‌آمیزی مسائل عمومی را با مزه ایدئولوژی ضد نظم چپ همراه می‌کند، بحث علیه شبه نظامیان فاشیست در کیف، توسعه صلح و بی‌طرفی در اوکراین و سوریه و درخواست برای رهایی از نظم یکجانبه جهانی (Kreko & Gyori, 2016: 7).

۴-۳- احزاب پوپولیست اروپایی و سیاست خارجی مستقل روسیه

زمانی که از سیاست خارجی مستقل روسیه سخن می‌گوییم، عنصر ایستادگی در مقابل آمریکا و نهادهای یورواتلانتیک نظیر ناتو و اتحادیه اروپا اهمیت دارد و برای اکثر احزاب پوپولیست اروپا، حکومت روسیه می‌تواند نه تنها الگوی متفاوتی به جای دموکراسی غربی باشد، بلکه الگوی قدرت مستقل را جایگزین نهادهای سیاسی و نظامی مانند اتحادیه اروپا و ناتو کند. از نظر احزاب راست پوپولیست اروپایی، اتحادیه اروپا تهدید مستقیمی برای دولت - ملت‌ها محسوب می‌شود. آنها در عین حال رویکرد ضد آمریکایی دارند. از نظر آنها ناتو ابزاری در دست واشنگتن می‌باشد و منافع راهبردی واشنگتن در اروپا و مکان‌های دیگر را دنبال می‌کند. بر همین مبنا آنها معتقدند که مسکو می‌تواند موازنه‌ای در مقابل نفوذ آمریکا در اروپا ایجاد نماید. رهبر حزب جوبیک مجارستان اتحادیه اروپا را متهم به تهدید آزادی مجارستان و مستعمره کردن ملت مجار کرد.^(۸) در همین چارچوب، یکی از نمایندگان جوبیک خواستار خروج مجارستان از اتحادیه اروپا و پیوستن آن به اتحادیه

^۱. International Meeting of Communist and Workers' Parties (IMCWP)

اقتصادی اوراسیا شد.^(۲۹) رهبری این حزب همچنان طی سخنانی در دانشگاه لومونوسوف مسکو تأکید کرد چون اروپا تبدیل به نوکر ایالات متحده شده است، نقش مسکو باید ایجاد موازنه در مقابل آمریکایی کردن اروپا باشد.^(۳۰) لوپن رهبر حزب جبهه ملی فرانسه از ایجاد ائتلاف راهبردی با روسیه بر مبنای مشارکت گسترده در حوزه‌های انرژی و نظامی حمایت کرد. اولین قدم در این راه تشکیل ائتلاف سه جانبه میان پاریس، برلین و مسکو است. در نهایت، این طرح منجر به شکل‌گیری اتحادیه تمام اروپایی شامل روسیه خواهد شد که بدین ترتیب اتحادیه اروپا و ناتو را کنار خواهد زد.^(۳۱) وی در سخنانی در ژوئن ۲۰۱۳ در دانشگاه دولتی روابط بین‌الملل مسکو خاطرنشان کرد: "من درک نمی‌کنم که ناتو در مقابل کدام دشمن از ما محافظت خواهد کرد" (Clapsis, 2015: 29). هاینس کریستین استراچه از حزب آزادی اتریش نیز گفت بروکسل به جای آنکه در محاصره روسیه، به عنوان دست‌نشانده آمریکا عمل کند، باید قادر به ایجاد روابط مثبت با مسکو باشد و نشان دهد منافع روسیه را درک می‌کند.^(۳۲) سپیراس رهبر حزب سیریزا پیش از به قدرت رسیدن، معتقد بود که روسیه و برخی کشورهای دیگر می‌توانند روابط خارجی یونان را متوازن کنند. بعد از به قدرت رسیدن سیریزا هم خط مشی گسترش مناسبات با روسیه دنبال شد هرچند که بعضی معتقدند مسکو بیشتر قدرت چانه‌زنی سپیراس با شرکای اروپایی را افزایش داد. در ژوئن ۲۰۱۵ پارلمان اروپا در حمایت از گزارش غیر الزام‌آور مربوط به روابط اتحادیه اروپا - روسیه از کمیسیون اروپا خواست لوایحی را برای جلوگیری از تأمین مالی احزاب سیاسی توسط منابع غیر اتحادیه اروپا پیشنهاد دهد. گزارش مذکور توسط ۷۰ درصد نماینده‌ها به تصویب رسید، اما اقلیتی که علیه آن رأی دادند نه تنها شامل احزاب دست راستی جبهه ملی، یوکیپ، لیگا نورد، حزب آزادی اتریش، جنبش آینده بهتر برای مجارستان و جنبش ۵ ستاره می‌شد، بلکه اعضای گروه اروپایی چپ متحد اروپایی و چپ سبز نوردیک مانند سیریزا، پودوموس و حزب سوسیالیست آلمان را هم در بر می‌گرفت.^(۳۳)

۴-۴ - مطالعه موردی: بحران اوکراین: رویکرد و عملکرد احزاب پوپولیست اروپا

دیدگاه احزاب پوپولیست راست نسبت به عملکرد روسیه در اوکراین به سه دسته تقسیم می‌شود: اول، حزب آزادی اتریش، جبهه ملی فرانسه و حزب آتاکا (بلغارستان) معتقدند که کشورهای اروپایی باید توجه بیشتری به نگرانی‌های روسیه داشته باشند. رهبران این احزاب همچنین مدافع اقدامات روسیه در اوکراین هستند. تعدادی از احزاب دست راستی - عمدتاً راست افراطی - برای همه‌پرسی و انتخابات در کریمه و انتخابات در دونباس^۱ (که هیچ یک از سوی مراجع بین‌المللی به رسمیت شناخته نشد) ناظران انتخاباتی اعزام کردند که از جمله می‌توان به حزب آزادی اتریش، جبهه ملی فرانسه، جنبش آینده بهتر برای مجارستان (Jobbik)، لیگا نورد ایتالیا، حزب فنلاندی‌ها (FINN) و حزب مردم رومانی (VB) اشاره کرد. جوبیک فراندوم کریمه را نه تنها مشروع و معتبر دانست بلکه آن را پیروزی حق تعیین سرنوشت یک جامعه دانست.^(۳۴) ماری لوپین هم در بحبوحه نزاع میان روسیه و اوکراین، سفری رسمی به مسکو داشت و در آنجا اتحادیه اروپا را متهم به شروع "جنگ سرد جدید" علیه روسیه کرد.^(۳۵) گودنوس^۲ نماینده حزب آزادی اتریش در پارلمان این کشور از جمله ناظرین همه‌پرسی کریمه بود. وی طی اظهارات علنی از جدایی کریمه حمایت کرد و توضیح داد که مردم باید حق تعیین سرنوشت و آینده خود را داشته باشند و جامعه بین‌المللی باید به تصمیم آنها احترام بگذارد.^(۳۶) نایجل فاراژ رهبر یوکیپ بریتانیا در جریان یک مناظره تلویزیونی با نیک کلگ^۳ معاون نخست‌وزیر انگلیس در مارس ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا را متهم به اقدامات امپریالیستی و توسعه‌طلبی کرد که به دلیل بی‌ثبات کردن اوکراین و تشویق اوکراینی‌ها به سرنگون کردن یانوکویچ دست‌های خون آلودی دارد. علاوه بر این، وی از عکس‌العمل کرم‌لین دفاع کرد و گفت: اگر شما خرس روسی را با چوب‌دستی سیخونک بزینید، او هم جواب خواهد داد.^(۳۷) نمونه دیگر حزب لیگا نورد ایتالیا است. سالوینی رهبر حزب در هنگام بازدید از مسکو در اواسط اکتبر ۲۰۱۴ به ناریشکین رئیس دوما دولتی روسیه قول داد که لیگا نورد به تلاش خود در پارلمان اروپا برای شناسایی بین‌المللی الحاق کریمه به روسیه ادامه دهد.^(۳۸)

1. Donbass

2. Gudenus

3. Nick Clegg

احزاب پوپولیست در همین حال با تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه مخالفت کردند. لودویک دو دان^۱ سخنگوی لوپن خاطر نشان کرد تحریم‌ها علیه مسکو ناعادلانه است و کلیه سیاست‌های نامتوازن و سیاست‌های غرب بسیار خطرناک است.^(۳۹) بعد از تصمیم دولت فرانسه برای به تأخیر انداختن تحویل دو زیردریایی به روسیه، حزب جبهه ملی با این تصمیم مخالفت کرد و از دولت اولاند خواست تا به قرارداد فرانسه - روسیه در مورد ساخت کشتی‌ها احترام بگذارد. این حزب همچنین دولت فرانسه را متهم به تسلیم شدن در مقابل فشارهای خارجی کرد.^(۴۰)

این احزاب در رأی‌گیری پارلمان اروپا، احساسات روس گرایانه خود را نشان دادند. به طور مثال، در رأی‌گیری برای قطعنامه مشترک درباره وضعیت حقوق بشر در کریمه در ۴ فوریه ۲۰۱۶، گروه پارلمانی اروپای ملت‌ها و آزادی (ENF) شامل حزب آزادی اتریش، جبهه ملی و حزب آزادی هلند و نیز تقریباً همه نماینده‌های جنبش ۵ ستاره از گروه پارلمانی آزادی و دموکراسی مستقیم به اتفاق علیه آن رأی دادند.^(۴۱)

دسته دوم فی نفسه طرفدار روسیه نیستند اما اتحادیه اروپا را به خاطر تخریب منافع دولت‌های اروپایی از طریق تشویق تقابل با روسیه محکوم می‌کنند. یوکیپ، حزب سوسیال دموکرات آلمان و حزب آزادی هلند در این دسته قرار می‌گیرند. فاراژ و وایلدن مدعی‌اند که اتحادیه اروپا هم به اندازه روسیه برای اتفاقات اخیر در اوکراین مسئول است: اتحادیه اروپا پوتین را تحریک کرد، به اوکراین امید واهی پیوستن به اتحادیه را داد، روابط تاریخی روسیه با اوکراین را نادیده گرفت و با استفاده از تحریم‌ها علیه روسیه به اقتصاد اروپا لطمه زد. هنگامی که نماینده‌های حزب سوسیال دموکراسی علیه تایید قراردادهای مشارکتی با اوکراین، مولداوی و گرجستان رأی دادند، نماینده آن کریستینا وینبرگ^۲ این آراء را بر اساس مخالفت حزبش با گسترش اتحادیه اروپا توجیه کرد: ملاحظه اصلی حزب آن است که اتحادیه اروپا تحت هیچ شرایطی نباید گسترش یابد. این ملاحظه صرف نظر از اینکه موجب نگرانی مولداوی، ترکیه یا اوکراین و ... شود، اصولی است. وی افزود: ما آنگونه که برخی مدعی‌اند، تحسین‌کننده روسیه اقتدارگرای پوتین نیستیم (Levy, 2015: 8).

^۱. Ludovic De Danne

^۲. Kristina Winberg

سرانجام، برخی گروهها به هیچ یک از این دسته‌ها تعلق ندارند. حزب مردم دانمارک سیاست مشخص و روشنی نسبت به روسیه ندارد. از یک سو سورن اسپرسن^۱ سخنگوی سیاست خارجی این حزب تجاوز روسیه را محکوم کرده و از تعهد دانمارک برای کمک به امن نگاه داشتن دولت‌های بالتیک علیه روسیه از طریق بکارگیری نیروهای دریایی سخن می‌گوید و از سوی دیگر نتایج همه‌پرسی کریمه را می‌پذیرد. (Ibid).

در میان احزاب چپ پوپولیست، حزب ائتلاف چپ یونان پیش از به قدرت رسیدن اعلام کرد: هدف اتحادیه اروپا و واشنگتن بی‌ثبات کردن کشور (اوکراین) است و همزمان آنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از گروه‌های نئونازی و افراطی که امروز مواضع قدرتمندی در دولت اتحاد ملی دارند، حمایت می‌کنند.^(۴۲) با این حال، سیپراس نخست‌وزیر کنونی و رهبر حزب سیریزا بعد از به قدرت رسیدن، انتقاد مستقیم از دولت اوکراین را کنار گذاشت و بیشتر بر لغو تحریم‌های روسیه متمرکز شد. وی در جریان بازدید از مسکو، از اروپا خواست به تحریم‌ها علیه روسیه پایان داده و هشدار داد که این تحریم‌ها می‌تواند منجر به جنگ سرد جدید شود.^(۴۳) حزب دی لینکه (چپ) آلمان هم در بیانیه‌ای با تبدیل اوکراین به موضوع نبرد ژئوپلیتیک میان اتحادیه اروپا و روسیه، مخالفت و مداخله مسلحانه روسیه و همچنین طرح قدرت‌های غربی جهت جذب اوکراین در ناتو را محکوم کرد.^(۴۴)

نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال ارتباط جایگاه مهم روسیه نزد احزاب پوپولیست اروپایی بودیم و به منظور شفاف‌تر شدن موضوع، ابتدا مفهوم پوپولیسم را تشریح کردیم. آنچه که در این مقاله بدان استناد شده، تعریف واژه پوپولیسم به عنوان یک ایدئولوژی رقیق است. در عین حال، هنگام بحث درباره پوپولیسم باید توجه داشت که در بسیاری مواقع این واژه به عنوان یک برچسب و انگ سیاسی توسط احزاب و گروه‌های رقیب به کار برده می‌شود. یکی از ویژگی‌های اصلی احزاب پوپولیست، دو قطبی کردن جامعه به عامه مردم و نخبگان است و نگرش ضد نخبگی در آنها کاملاً آشکار است. در عنوان بعدی خلاصه‌ای از سوابق احزاب

^۱. Soren Espersen

پوپولیست اروپا مورد اشاره قرار گرفت. احزاب پوپولیست اروپا تاریخ دیرینه‌ای دارند، اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد فرصت ظهور و بروز آنها در صحنه سیاسی بیشتر دیده می‌شود. در این مقاله هرچند بیشتر احزاب دست راستی مورد توجه بوده‌اند، اما احزاب پوپولیست چپ‌گرا هم با توجه به برخی جنبه‌های مشترک در مواضع نسبت به روسیه مورد اشاره قرار گرفته‌اند. احزاب پوپولیست در دو دهه اخیر رشد چشمگیری در اروپا داشته، در برخی، عضو ائتلاف دولتی هستند و در تعدادی از کشورها هم از جمله اپوزیسیون قدرتمند می‌باشند. صدای آنها اکنون به وضوح در پارلمان اروپا شنیده می‌شود و زنگ خطر برای احزاب محافظه‌کار سنتی به صدا در آمده است. با توجه به اینکه موضوع گرایش احزاب پوپولیست به روسیه در چارچوب مسائل سیاست خارجی این احزاب قابل بررسی است، تلاش شد در عنوانی مستقل، سیاست خارجی این احزاب در قالب چند گزاره شامل نهادهای اروپایی، همکاری‌های یورو-آتلانتیک، منازعه خاورمیانه، کمک به کشورهای فقیر، مسائل مهاجرتی و مداخله نظامی برون مرزی مورد اشاره قرار گیرد. در نهایت، همبستگی ایدئولوژیک احزاب پوپولیست اروپا با روسیه به تفکیک احزاب چپ و راست مورد آزمون قرار گرفت و سرانجام رویکرد این احزاب به بحران اوکراین به عنوان یک مورد مطالعاتی بررسی شد. نظام روسیه و رهبری آن واجد عناصری هستند که در چارچوب باورهای احزاب پوپولیست اروپا، تأمین کننده منافع و اهداف این احزاب هستند. همبستگی ایدئولوژیک احزاب پوپولیست راست با حاکمان روسیه شامل ارزش‌های محافظه‌کارانه اجتماعی، دفاع از حاکمیت ملی، تمرکز قدرت دولتی و رد بین‌المللی‌گرایی و مداخله‌گرایی لیبرالی است. در احزاب پوپولیست چپ اروپا شامل مخالفت با جهانی شدن، مخالفت با نظام سرمایه‌داری و پیوند نوستالژیک با اتحاد شوروی است. در مسئله روسیه و به‌ویژه بحران اخیر در اوکراین، اکثر احزاب پوپولیست چپ و راست مواضع حمایت‌آمیزی از مسکو داشتند. تقویت حضور این احزاب در دولت‌های عضو اتحادیه اروپا می‌تواند شکاف میان اعضای این اتحادیه در مورد روسیه را افزایش دهد.

یادداشت‌ها

- ^۱. گفتگوی شه‌ریار زرشناس با رجا نیوز، مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷. برای اطلاع بیشتر به سایت ذیل مراجعه شود: <http://www.asriran.com/fa/news/41837>
- ^۲. روزنامه اعتماد، شماره ۲۸۴۹ به تاریخ ۹۲/۹/۲۱، صفحه ۱۱. برای اطلاع بیشتر به سایت ذیل مراجعه شود: <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2864930>
- ^۳. جنبشی است که پیر پوژاد (Pierre Poujade) سیاستمدار غیرمتعارف و پوپولیست فرانسوی آن را رهبری می‌کرد.
- ^۴. <http://www.express.co.uk/news/uk/646058/UKIP-Nigel-Farage-burning-building-vote-leave-EU-referendum>.
- ^۵. <http://www.nltimes.nl/2014/02/06/wilders-eu-exit-will-let-us-breathe/>
- ^۶. <http://www.spiegel.de/international/europe/interview-with-french-front-national-leader-marine-le-pen-a-972925.html>.
- ^۷. Asch, Ronald G. (2015), "The decline and fall of the European Union: is it time to rip it up and start again?", Open Democracy, 17 July, available at: www.opendemocracy.net/can-europe-make-it/ronald-g-asch/decline-and-fall-of-european-union-is-it-time-to-rip-it-up-and-start.
- ^۸. <https://www.rnw.org/archive/dutch-development-aid-south-asia-change>.
- ^۹. <http://www.minbuza.nl/en/News/Newsflashes/2010/11/Go>.
- ^{۱۰}. "Austria seeks EU aid halt for nations rejecting failed migrants", AFP, 4 Feb 2016, available at: <http://english.ahram.org.eg/NewsContent/2/9/186722/World/International/Austria-seeks-EU-aid-halt-for-nations-rejecting-fa.aspx>
- ^{۱۱}. Grabbe, Heather (2015), "Feeding on discontent", Berlin Policy Journal, 27 April, available at: www.berlinpolicyjournal.com/feeding-on-discontent
- ^{۱۲}. Kaminski, Matthew (2015), "All the terrorists are migrants", Politico, 23 November, available at: www.politico.eu/article/viktor-orban-interview-terrorists-migrants-eu-russia-putin-borders-schengen.
- ^{۱۳}. Kroet, Cynthia (2016), "Slovak PM: EU migrant policy is 'ritual suicide' ", Politico, 26 January, available at: www.politico.eu/article/slovak-pm-eu-migrant-policy-is-ritual-suicide.
- ^{۱۴}. Jun, Dominik (2015), "Czech president uses Christmas message to warn of migrant 'invasion' ", Radio Praha, 28 December, available at: www.radio.cz/en/section/curaffrs/czech-president-uses-christmas-message-to-warn-of-migrant-invasion.
- ^{۱۵}. "Criticized Abroad, Hungary's Orban Gains Support at Home with Migrant Crackdown", Sept. 17, 2015, available at: <http://www.wsj.com/articles/criticized-abroad-hungarys-orban-gains-support-at-home-with-migrant-crackdown-1442517065>

¹⁶ -"Seven urgent measures to combat the so-called Islamic State", available at: www.podemos.info/seven-urgent-measures-to-combat-the-so-called-islamic-state/

¹⁷. Hooper, John (2015), "Why has Greece only now included defence cuts in its Brussels proposals?" The Guardian, 23 June, available at: www.theguardian.com/world/2015/jun/23/why-has-greece-only-now-included-defence-cuts-in-its-brussels-proposals.

¹⁸ -"France prepares to boost military spending", World Socialist Website, 2 April 2015, available at: <https://www.wsws.org/en/articles/2015/04/02/fran-a02.html>.

¹⁹. <https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/solidarity>

²⁰. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/solidarity>

²¹. Peter Pomerantsev and Michael Weiss, "The Menace of Unreality: How the Kremlin Weaponizes Information, Culture and Money," Institute of Modern Russia and The Interpreter, <http://www.interpretermag.com/the-menace-of-unreality-how-the-kremlinweaponizes-information-culture-and-money/>

²². Putin: Patriotism is only possible 'national idea' for Russians, Feb 4, 2016. Available at: http://rbth.com/politics_and_society/2016/02/04/putin-patriotism-is-only-possible-national-idea-for-russian_564881

²³. Jobbik, 'Gábor Vona: Euro-Atlanticism Must be Replaced by Eurasianism', 5 October 2013. Available at: http://www.jobbik.com/g%C3%A1bor_vona_euro-atlanticism_must_be_replaced_eurasianism

^{۲۴}. سخنرانی ولادیمیر پوتین در کنفرانس بین‌المللی والدای که در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۳ در شهر نووگوراد برگزار شد. برای اطلاع بیشتر به سایت رسمی دولت روسیه به آدرس ذیل مراجعه شود: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/19243>

^{۲۵}. نام یک گروه موسیقی است که اعضای آن دختران فمینیست و مخالف پوتین و ارزش‌های سنتی روسیه بودند و بعد از اجرای مخفیانه در یکی از کلیساهای ارتدوکس مسکو، بعضی اعضای آن دستگیر و زندانی شدند.

²⁶. "French Far Right Gets Helping Hand with Russian Loan", DEC. 1, 2014, available at: http://www.nytimes.com/2014/12/02/world/europe/french-far-right-gets-helping-hand-with-russian-loan-.html?_r=0

²⁷. Anna Beitāne, "Examining the Kremlin's and Far-Right Parties Cooperation: Should the EU be Worried?" (2015), available at: <http://www.lai.lv/lv/blogs/examining-the-kremlins-and-far-right-parties-coope/>

²⁸. Jobbik, 'Vona Urges Fight against EU which Colonizes and Enslaves Hungarians', 29 March 2012. Available at: http://www.jobbik.com/vona_urges_fight_against_eu_which_colonizes_and_enslaves_hungarians.

²⁹. D. Sharkov, 'Far-Right MEP Accused of Acting as Russian Spy', Newsweek, 26 September 2014. Available at: <http://europe.newsweek.com/far-right-mep-accused-acting-russian-spy-3444?rm=eu#bigshot/2388>.

³⁰. Jobbik, 'Gábor Vona had a Lecture at Lomonosov University', 24 May 2013. Available at: http://www.jobbik.com/g%C3%A1bor_vona_had_lecture_lomonosov_university_russia.

³¹. Political Capital, The Russian Connection, March 14, 2014. Available at: http://www.riskandforecast.com/useruploads/files/pc_flash_report_russian_connection.pdf.

³². C. Hawley, "A Partner for Russia": Europe's Far Right Flirts with Moscow', Spiegel Online, 14 April 2014. Available at: <http://www.spiegel.de/international/europe/european-far-right-developing-closer-ties-with-moscow-a-963878.html>.

³³. VoteWatch Europe, "State of EU-Russia relations", available at: www.votewatch.eu/en/term8-state-of-eu-russia-relations-motion-for-resolution-vote-resolution.html###vote-tabs-list-1.

³⁴. Jobbik, 'Jobbik: Crimea Referendum is Exemplary', 18 March 2014. available at: http://www.jobbik.com/jobbik_crimea_referendum_exemplary,

³⁵. France's Le Pen, in Moscow, blames EU for new 'Cold War', Apr 12, 2014. Available at: <http://www.reuters.com/article/us-ukraine-crisis-le-pen-russia-idUSBREA3B09I20140412>.

³⁶. Crimean "Referendum at Gunpoint", 16 Mar, 2014. available at: <https://www.rt.com/news/international-observers-crimea-referendum-190/>

³⁷. Farage: EU Does Have "Blood on its Hands" over Ukraine', 27 March 2014. available at: <http://www.bbc.com/news/uk-politics-26768602>.

³⁸. The Italian party "Northern League" will achieve cancellation of sanctions against Russia, May 31, 2016. available at: <http://visitwinchestervirginia.com/the-italian-party-northern-league-will-achieve-cancellation-of-sanctions-against-russia/>

³⁹. Russia Today (website), "Crimean "Referendum at Gunpoint" is a Myth – Intl Observers', 17 March 2014; E. Sukhoi, 'Crimea is Historically Part of Russia, Referendum was Legitimate – Marine Le Pen's Spokesman', 20 March 2014; Higgins, 'Far-right Fever'.

⁴⁰. Marine Le Pen Slams Paris Over Termination of Mistral Deal With Moscow, 06.08.2015.

Read more: <http://sputniknews.com/politics/20150806/1025464668.html> # ixzz4AKfnosaX

⁴¹. VoteWatch Europe, "Human rights situation in Crimea, in particular of the Crimean Tatars", available at: www.votewatch.eu/en/term8-human-rights-situation-in-crimea-in-particular-of-the-crimean-tatars-joint-motion-for-resolution-vot.html.

⁴² -Statement of the Political Secretariat of SYRIZA on the issue of Ukraine, February 27, 2014. Available at: <http://www.syriza.gr/article/id/55098/Statement-of-the-Political-Secretariat-of-SYRIZA-on-the-issue-of-Ukraine.html#.V1UAhDV97IU>

⁴³ . Alexis Tsipras in Moscow asks Europe to end sanctions against Russia, 8 April 2015. available at: <http://www.theguardian.com/world/2015/apr/08/alexis-tsipras-in-moscow-asks-europe-to-end-sanctions-against-russia>.

⁴⁴ . Ukraine: Positions of the European left, March 4, 2014. Available at: <http://links.org.au/node/3770>

